

نظر شما درباره طرح امنیت اجتماعی و مبارزه با مفاسد چیست؟



اشاره

این روزها مساله مبارزه با مفاسد اجتماعی بحث روز شده است، و طبعاً هر ایرانی صاحب اندیشه و حساس نسبت به مسائل اجتماعی، دغدغه خود را در این باره اظهار کرده است. طبیعتاً مخاطبان دیدار آشنا هم مثل همیشه انتظار دارند که تحریریه مجله درباره این موضوع دست به کار شده و از سر تکلیف و یا حتی رفع تکلیف (!) به این مساله بپردازد؛ البته حق همیشه با مخاطبان است، اما واقعیت این است که گفتنی‌ها را کارشناسان و مسئولان امر گفته‌اند. با این وجود، بنا به حساسیت موجود و انتظاراتی که هست، قرار شد بحث را در قالب میزگردی مطرح کنیم البته نه همراه با بحث‌های کارشناسی، عمیق و مبهم؛ که مخاطب حظ خود را نبرد و آن گمشده خود را نیابد... بلکه با ترکیبی از میان عموم مردم؛ دانش آموز، دانشجو، طلبه، خانه‌دار و...

حالا که این میزگرد برگزار شده می‌بینیم این گفت‌وگو چند حسن یافته از جمله این که بحث‌ها کاملاً ساده و حتی گاه با تکرار و تائید حرف‌های همدیگر مطرح شده و به همان اندازه که از مباحث رسمی دور مانده، به ذائقه جوانان به ویژه دختران نزدیک شده است. حالا که تکرار و تاکید را به عنوان یک اصل در این گفت‌وگو پذیرفتیم خوب است ما هم این جمله تکراری و کلیشه‌ای را به توضیحاتمان بیفزاییم که این گفت‌وگو صرفاً نظرات تعدادی از خواهران است که درباره طرح مبارزه با مفاسد اجتماعی دغدغه‌هایی داشته‌اند و این میزگرد را به عنوان تریبون آزادی برای ارائه حرف‌های خود دانسته‌اند اما حرف‌های آنان را به حساب نظرات مجله دیدار آشنا و مسئولان آن نگذارید.

به هر حال تکلیف بحث از همین حالا معلوم است میزگردی است با بحث آزاد (و به عبارتی کاملاً دخترانه یا زنانه) که

هر یک از اعضای این میزگرد، ساده و صمیمی نظرات خود را ارائه داده است. حالا که انتظار شما را درباره این موضوع با برگزاری این میزگرد بیان کردیم انتظار داریم درباره مباحث مطرح شده شما هم نظر بدهید.

مریم راهی: موافقم، چون ما مسلمان هستیم و باید قوانین اسلامی را رعایت کنیم و اگر مسلمان نیستیم باید به این قوانین احترام بگذاریم چون در جامعه اسلامی زندگی می‌کنیم. اگر کسی می‌خواهد با این قوانین مخالفت کند باید با او برخورد کرد و به همین دلیل با این کار موافقم، اما نحوه عملکرد باید دقیق و هدفمند باشد. نیروی انتظامی باید تا پایان ادامه دهد با یک یا دوماه و حتی دو سال این کار نتیجه‌ای نمی‌دهد باید عملکردها را دید و تأثیرش را سنجید. من با ضربتی بودن و اعمال خشونت مخالفم و باید با این افراد با احترام کامل برخورد شود. خیلی وقت‌ها آن‌ها را دستگیر می‌کنند و حتی تعهد می‌گیرند ولی باز به همان شکل قبلی برمی‌گردند. کسی که اعتقادش این است که من آزادم و نمی‌خواهم حجاب داشته باشم، نمی‌توانیم با این برخورد‌ها او را عوض کنیم. حداقل می‌توانیم جلوی تخریب جامعه و ترویج این فرهنگ را بگیریم.

زهرا حاجی‌پور: اصل مبارزه با بدحجابی و فساد اخلاقی، اصل درستی است ولی دخالت نیروی انتظامی در این مسئله، دقیقاً آخرین راه ممکن است که باید انتخاب کرد. به خانمی که نه فواید حجاب را می‌داند و نه مضرات بدحجابی را چه‌طور می‌توان گفت از این به بعد باید با حجاب اسلامی وارد جامعه شوید؟ خب این زن فکر می‌کند این سیاست خاصی از یک جناح خاص است و شاید به این مسئله، سیاسی نگاه کند. برخی از این‌ها می‌گویند زمان

دولت فلانی چرا این طوری نبود اما الان این کار را انجام می‌دهند. باید اصل فلسفه حجاب دقیقاً مشخص شود و با فرهنگ‌سازی در این باره دیگر نیازی به نیروی انتظامی نیست. الان بعد از دستگیری و تعهد دوباره همان آش است و همان کاسه.

حمیده رضایی: به نظر من مشکل از عدم شناخت فلسفه حجاب نیست؛ ما در این مسئله با طیف کم‌سواد و عوام سروکار نداریم که بگوییم فلسفه حجاب را نمی‌داند ما متأسفانه در طیف وسیعی از دانشجویانمان این مساله را می‌بینیم؛ دانشجویی که خودش چندین ترم معارف خوانده چطور این را نمی‌داند؟

حاجی‌پور: من هم معتقدم آگاهی به تنهایی کافی نیست. علاوه بر این آگاهی باید فیلترهایی هم مثلاً در دانشگاه یا در دبیرستان یا جاهای دیگر قرار دهیم. در برخی شهرها اگر موقع تعطیل شدن یک دبیرستان دخترانه بایستیم ببینیم این بچه‌هایی که بیرون می‌آیند چگونه‌اند، باورتان نمی‌شود. درصد بالایی از دخترانی که بیرون می‌آیند آرایش صورتشان تازه است، یعنی مدیر مدرسه به خودش زحمت نمی‌دهد که یک گشت بگذارد و نگذارد بچه‌ها چنین چیزهایی را به مدرسه بیاورند. یکی از دوستان دانشجوی من می‌گفت: بعضی از دخترها صبح‌ها قبل از حضورشان در خیابان حداقل یک ساعت جلوی آینه می‌ایستند و بعد به کلاس می‌آیند. چرا باید رئیس دانشگاه اجازه دهد دانشجوی دختر این‌طور وارد محیط دانشگاه شود. قدم اول، آگاهی هست. گام دوم گذاشتن فیلترهایی غیر از نیروی انتظامی در دبیرستان و دانشگاه و دیگر مراکز است که این فرد اگر فلسفه حجاب را می‌داند و خود را موظف به رعایت آن نمی‌بیند، بداند که در محیط آموزشی

نباید این گونه وارد شود. الآن در کشورهای غربی دخترها و پسرهای دانشجوی ساده‌ترین لباس‌ها را می‌پوشند و به کلاس می‌آیند. معتقدند که پوشیدن لباس‌های رنگارنگ و داشتن چهره‌های آن‌چنانی حواس دانشجویهای دیگر را پرت می‌کند.

بیاتی: ما مسئله بدحجابی در کشور ایران نداریم. این تحفه کشورهای غربی به کشور ماست. در دولت آقای خاتمی آزادی‌هایی به مردم داده شد که آنان به‌جای این که کمال استفاده را ببرند، سوءاستفاده کردند. این موضوع اشتباه است که می‌گویند باید برخورد شدید شود. چرا باید این طوری باشد؟ وقتی مردم ببینند که دین نگفته باید حتما چادر سر کنی، در کشورهایی مثل لبنان، مسلمان دارند اما چادر سر نمی‌کنند، و پوشش کامل دارند. اما در کشور ما حجاب را در چادری می‌دانند که سر می‌کنند. این کاملاً اشتباه است. باید زنان ما خودشان را در چادر پنهان کنند که بگویند خانم فلانی باحجاب است؟! این کاملاً اشتباه است. این هم که حجاب از یک مانع مناسب به آن‌جا رسیده که بلوز تنشانی می‌کنند با آرایش‌های غلیظ، این هم اشتباه است. من با این طرح مخالفم چون سوءاستفاده می‌شود و موافقم به‌خاطر این که دین به این‌ها اجازه نمی‌دهد با هر لباسی که دلشان می‌خواهد بیرون بیایند. ولی این سوال را دارم که چرا اصلاً در کشور ایران چادر را حجاب کامل می‌دانند؟

رضایی: ما با خود کلمه چادر کاری نداریم شما اگر متن قرآن را ببینید از کلمه‌ای استفاده شده که دقیقاً همین معنا را می‌رساند. اگر در فرهنگ لغت ببینید این کلمه معنای ملحفه‌ای را می‌دهد که دور خود می‌پیچند. در روایتی که از پوشش حضرت زهرا - که الگوی همه ماست - سخن می‌گوید، دارد که حضرت زهرا در خارج از خانه پوششی داشت که تمام تنش را می‌گرفت و تا پایین پا می‌آمد. ما می‌گوییم چادر یا مانتویی که این خصوصیت را داشته باشد، متنها مانتویی‌های ما جز چند درصد متأسفانه مانتوهای مناسبی نیستند برخی فکر می‌کنند با این شیوه، رعایت حجاب می‌شود درحالی که حتی مشخص شدن کوچک‌ترین برجستگی‌ها هم خلاف مسائل اسلامی است.

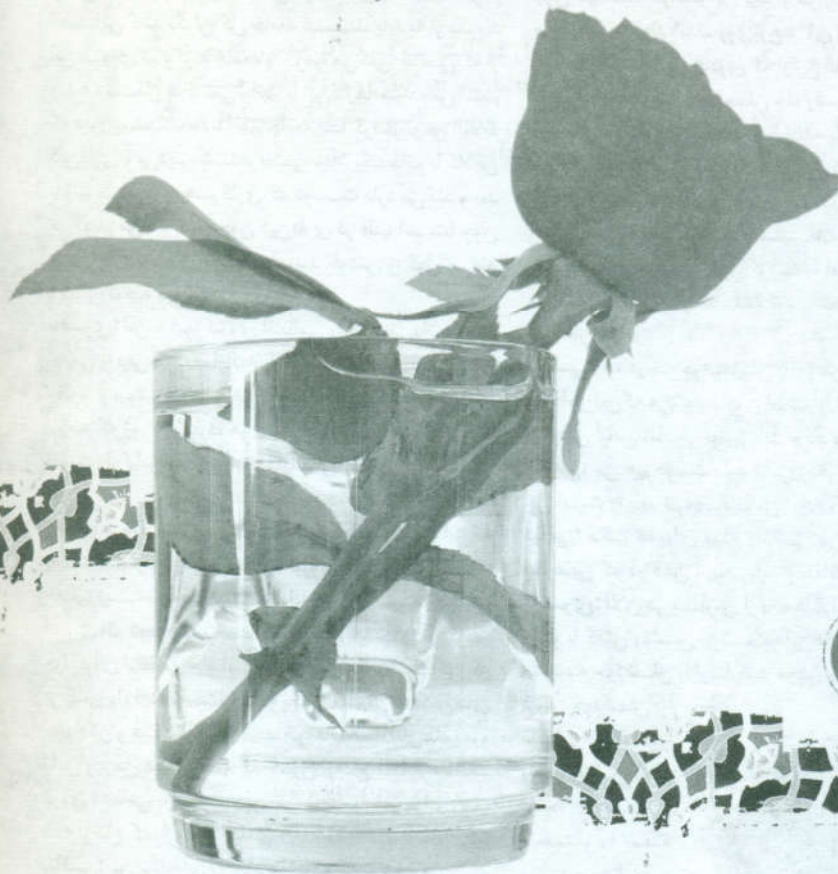
بیاتی: من می‌گویم بهتر است به‌جای زینت دادن ظاهرمان به فکر زینت‌دادن روح و باطنمان باشیم. نباید ایمان طرف را با چادرش بسنجیم.

وفایی: الآن مسئله ما عمل کردن به حجاب نیست بلکه برخورد نیروی انتظامی با بدحجابی است. الآن در این باره صحبت کنید. ممکن است یک خانم چادر بپوشد ولی موهایش بیرون باشد، آیا اشکال دارد یا نه؟ اگر خانمی چادری آرایش کرد و بیرون آمد فکر می‌کنید هیچ لطمه‌ای به جامعه نمی‌زند؟

ظفری زاده: اگر من مقداری از موهایم را بیرون بگذارم و این رفتار من برای دیگری الگو شود و فکر کنند که کار خوبی است، مشکل دارد. اما این که آدم مقداری صورتش را آرایش کند و بیرون بیاید، به نظر من زیاد مشکل ندارد به شرطی که الگو نشود.

باقری: من فکر می‌کنم به‌جای دخالت نیروی انتظامی، اول باید از مغازه‌ها و بوتیک‌ها و مانتوفروشی‌ها شروع کنیم. شاید از صد خانواده، بیست خانواده مخالفت کنند اما بقیه ترغیب می‌شوند که لباس مناسبی را که دولت ارائه می‌دهد بپوشند. چه اشکال دارد که این کار را بکنیم؟ وقتی مغازه‌دارها پوشش‌های زننده تن مانکن می‌کنند و پشت ویتزین می‌زنند، چند نفری که از اعتقادات محکمی در خانواده برخوردار نیستند آن‌را انتخاب می‌کنند، فکر می‌کنند شیک‌پوشی فقط جلب توجه است. نمی‌دانند یک خانم شیک‌پوش باید متین هم باشد.

حاجی پور: موافقم. تا وقتی که در مغازه‌های ما لباس‌های



۲۹

همین دلیل به این‌جا رسیدیم.

رضایی: ما باید اصل را داشته باشیم نه افراط و نه تفریط. برای چه نیروی انتظامی آمد و دخالت کرد؟ برای این که منی که باید امر به معروف کنم سه‌بار گفتم و بار چهارم خسته شدم. برخی وقت‌ها با یک تذکر لفظی ساده مسأله برطرف شده، من بارها وقتی به کسی تذکر داده‌ام تشکر کرده، یعنی یک لحظه حواسش نبوده، اما آن قشری که الآن آمده‌اند و به این مسأله اعتراض می‌کنند برای این است که می‌خواهند چنین پوششی داشته باشند. برای این نیروی انتظامی آمد که امر به معروف یا کارگر نبود یا همه خسته شدند و یا این که فراموش شد.

حاجی پور: یعنی جامعه ما تمام راه‌های ممکن را امتحان کرد، آیا مثل فرهنگ ترافیک، که انیمیشن‌هایی درست کردند، برای نهادینه کردن فرهنگ حجاب از این کارها انجام شده؟ من می‌گویم دخالت نیروی انتظامی راه آخر است. ما باید فرهنگ‌سازی کنیم، بازار را کنترل کنیم، امر به معروف و نهی از منکر کنیم. باور کنید این‌ها مثل غربالی می‌ماند که عده کمی از آن می‌گذرند. آن وقت مقداری که پایین ریختند باید نیروی انتظامی وارد شود و جمع‌آوری کند.

راهی: برای جوان باید بحث زیبایی‌شناسی کرد تا بدانند با حجاب، زیبایی‌اش نیز حفظ می‌شود. لباس خوب پوشیدن به آدم اعتماد به نفس می‌دهد. من این لباس‌ها را از او می‌گیرم چه چیزی به او می‌دهم؟ لباس سیاه گشاد؟ این که خیلی زشت است. باید چیزی به او بدهیم که راضی باشد و بگوید بهتر از اولی است. این لباس باید طراحی شود.

میرغنی: در بسیاری از موارد مشکل از خانواده‌هاست. وقتی مادر رعایت نمی‌کند، از دختر چه انتظاری می‌رود؟ نیروی انتظامی نهایتاً بازداشت کند ولی بالاخره که چی؟

مبتذل ارائه می‌شود طبیعتاً جوان‌ها هم به آن سمت گرایش می‌یابند. ما باید مدهای جدید اما اسلامی، رنگ‌های زیبا اما غیرزننده ارائه کنیم؛ اسلام نمی‌گوید که حتماً باید خودت را در چادر مشکی ببوشانی. من با شیک‌پوشی یک دختر جوان موافقم، اما شیک‌پوشی و مبتذل پوشی دو مقوله کاملاً جداست. نیروی انتظامی باید به مغازه‌ها برود، پروانه کسب کسی را که لباس‌های مبتذل می‌فروشد، باطل کند. اگر مغازه‌ای را یک‌ماه تعطیل کنند، بقیه می‌ترسند و لباس‌های ناجور را جمع می‌کنند و به‌جایش مانتوی متعارف و اسلامی می‌آورند. وقتی عرضه لباس مبتذل نباشد، تقاضا هم نیست.

وفایی: به‌نظر شما چه کسانی باید این الگوها را ارائه دهند؟

حاجی پور: طراحان لباس، در دانشگاه‌ها رشته‌ای به‌نام طراحی لباس هست. این‌ها بیایند و فعال شوند. مانند طرح چادر ملی، البته عقیده شخصی من این است که چادر ملی هدف چادر را تأمین نمی‌کند ولی برای برخی خانم‌ها از هیچی بهتر است.

رضایی: اصل اساسی، چادر سر کردن است. در احکام شرعی به ما گفته‌اند که برجستگی‌های ظاهری یک خانم که برای مرد جذاب است، مشخص نباشد. عملکرد نیروی انتظامی در سال‌های اول انقلاب خوب بود، اما اگر شما نمودارها را نگاه کنید به‌مرور زمان کم‌رنگ شد.

باقری: در آن سال‌ها گشت‌ها ضربتی بود و مامور این کار کمیته انقلاب، هرکسی را که می‌دیدند با وضع زننده می‌آید، می‌گرفتند. همه از پاترول‌های زرد کمیته می‌ترسیدند. هر که از سه‌فرسخی می‌دید رنگ و رویش زرد می‌شد، خوب نبود، بعد هم که رها شد و خبری از هیچ گشتی نبود. نه به آن شوری و نه به این بی‌نمکی. به

او با این فرهنگ تربیت شده من اگر چیزی بگویم، سریع مقابله می کند بیشترین تأثیر را ابتدا خانواده و بعد مدرسه می گذارد.

راهی: عملکرد نیروی انتظامی باید طوری باشد که مردم احساس کنند نگران کل جامعه هستند، باید به او بگویند این طوری نیا وگرنه جامعه را خراب می کنی. کسی که از ریشه مشکل دارد نمی توانیم با این کارها متوجه اش کنیم که دین چیست، جدیداً هم جامعه ما گرفتار نوعی التقاط دین داری و بی دینی شده، یعنی مثلاً یک خانم با کلاس با ژست امروزی هر کاری که دوست دارد می کند و بعد می گوید: من دین دارم چون دین داری در قلب است! چون دوست دارد به همان خواسته ها برسد خودش را گول می زند و دنبال توجیه می گردد.

باقری: من حضور نیروی انتظامی را لازم می دانم. وقتی خانمی را نمی گردیم، از ده نفر، شاید سه نفر راهشان را بگیرند و بروند، چهار نفر جواب بدهند ولی یک پسر جوان نتواند که زور بازو دارد، هر کسی نهی اش کند از ابرو، از صورت، از لباس و... اگر آقایی ایشان را نهی کند و دست به یقه شوند چه کسی باید این جا باشد؟

رضایی: یک مسأله ای این وسط فراموش شده این که بحث ما صرفاً درباره عملکرد نیروی انتظامی در مسأله حجاب نیست بلکه حضورش به دلیل تأمین امنیت اجتماعی است. اگر دومی مهم است که من هم همین را می گویم، چرا نیروی انتظامی جلو آمد؟ به دلیل موج وحشتناکی که در کشور راه افتاده است؛ مسأله پخش فیلم ها و عکس های خانوادگی و فیلم برداری از استخر خانم ها، اتاق های پرو لباس و... من فکر می کنم که کنترل اوضاع فقط از دست نیروی انتظامی برمی آید، چون من شخصی نمی توانم روی همه اوضاع کنترل داشته باشم.

بیاتی: من برنامه ای را نگاه می کردم که با دخترهایی که با این مسأله مخالف بودند، مصاحبه می کرد. مصاحبه گر می پرسید از شما تعهد گرفته اند؟ می گفت ما که شب تا صبح کارمان تعهد دادن است. الان مسأله بدحجابی طوری شده که وقتی طرف یکبار دستگیر شد و ابرویش رفت، می گوید بی خیال بابا، یا چند ضربه شلاق می خوری و یا دو شب توی بازداشتگاه می مانی، این مسأله باعث شده که این طور آدم ها به وجود بیایند و بیش تر بشوند، من به این دلیل با این مسأله مخالفم.

پری گل: من خودم خیلی وقت ها به خانمی تذکر دادم او گفته به شما ربطی ندارد. ما زمانی بود که جنگ داشتیم، شهید دادیم، به خاطر چه چیزی این همه شهید دادیم؟ به خاطر همین امنیت بوده اما حالا می گویند به شما ربطی ندارد. من می گویم نیروی انتظامی با کسانی که حجابشان خیلی بد است مقابله کند اما با دختری که موهایش خیلی بیرون نیست و آرایش نکرده مخالفت نکند.

باقری: خانم هایی هستند که نهی از منکر می کنند چندین بار شده که به دختر من گوش زد کرده اند در حالی که من احساس می کنم هیچ عیبی در صورت و طرز پوشش نیست، همین برخوردها باعث می شود که یک جوان سر لجبازی می گیرد. باید از طریق روان شناسی پیش برویم. همان طوری که اگر به بچه مان کاری را مرتب تکرار کنیم که نکن او بدتر این کار را انجام می دهد، الان هم نقل و نیات چندماهه اخیر مملکت ما شده طرح ضربتی، و این تأثیری ندارد.

حاجی پور: خانم رضایی! دغدغه اصلی شما تأمین امنیت اجتماعی توسط نیروی انتظامی است؛ شما جواب دهید آیا تنها راه مبارزه با فساد، مبارزه با خانم های این طوری است؟ پس چرا نیروی انتظامی این را به عنوان اولین راه گرفت؟ درحالی که راه های زیادی دارد. آیا درست است که نیروی انتظامی انگشت روی خانم های بدحجاب بگذارد، چون

امنیت اجتماعی به هم می خورد؟ تنها راهش همین است؟
رضایی: راهش این نیست اما خانم ها مهم ترین عامل اصلی هستند؛ کشور الجزایر توسط خانم ها سقوط کرد چون سیاست فرانسه این بود، از هر راهی که رفتند دیدند موفق نمی شوند آمدند روی زن های الجزایر برنامه ریزی کردند. گفتند با هر چادری که از زن الجزایری برداشتیم ده قدم به سمت اهدافمان جلو رفتیم. بر فرض، برادر من، پدر من پاک باشد، اما خواسته یا ناخواسته چشمش می افتد. مردها فطرتاً تنوع طلبند و این کم کم اسباب تزلزل خانواده و انحراف دختر و پسر می شود، پس مجبورند، روی اصلی ترین جا تمرکز کنند و متأسفانه چون دیگر راهی نمانده طرح ضربتی را اجرا کردند، نه امر به معروف کمک می کند، نه کلاس، و متأسفانه قشر تحصیل کرده بیش تر در خطر است.

بیاتی: نود درصد حرف هایتان برای من قابل قبول نیست به خاطر این که می گوید چون امنیت را از دست می دهم، آیا وقتی لباس شاد می پوشم باید مردم مزاحم شوند؟
وفایی: من هم دوست دارم لباس رنگی و شاد بپوشم، اما این امنیت را باید نیروی انتظامی ایجاد کند.

بیاتی: مگر ما برای مردم زندگی می کنیم که به خاطر فکری که در ذهن آنها می آید از عقایدمان بگذریم؟
باقری: الان در مدارس از بچه ها الزام می خواهند که مانتو یا کفش روشن بپوشند و این ها چون نمی توانند در مدرسه خودشان را ارضا کنند مجبور می شوند در جاهای

دیگر خودشان را نشان دهند. چرا رنگ روشن الان فقط مخصوص دبستانی ها شده و دبیرستان و راهنمایی رنگ لباسشان تیره است؟

رضایی: باور کنید همه ما داریم یک حرف را می زنیم اما با شیوه های مختلف، ما اصلاً مخالف با پوشیدن

رنگ روشن توسط نوجوان نیستیم. در عین حال باور هم نداریم که اگر در مدرسه این طور باشد در جامعه آن گونه نمی شود. در بحث ماهواره گفتند عیبی ندارد ما نوارها را کمی آزادتر می کنیم تا جوان سراغ ماهواره نرود، دقیقاً برعکس شد. این را که دید هیچ، دهر برابر سراغ آن هم رفت. شما نمی توانید بگویید اگر آموزش و پرورش این اجازه را به بچه ها داد که در مدرسه رنگ روشن بپوشند بیرون نمی پوشند، اصلاً این طور نیست. بحث اصلی ما مخالفت با نوجوانی است که در آن سن یاد گرفته آرایش غلیظ زنانه داشته باشد. ما می گویم توی نوجوان که این طور هستی وقتی به سن بالاتر می رسی چه چیزی می خواهی بشوی. وقتی آن دختر، کنار دختر شما بایستد آیا دختر شما الگو نمی گیرد؟

باقری: الگو می گیرد اما حد آن مشخص نیست، دختری که انجام نداده، می خواهد امتحان کند، یعنی راه آسفالت را از خاکی تشخیص نداد و رفت توی خاکی، اما وقتی می بیند که هموار نیست اگر از تربیت و روش درست برخوردار باشد، برمی گردد.

رضایی: قبول دارم چون از اول تربیت اش درست بوده است، ولی خیلی ها که این طور نیستند. درباره همان دسته اول هم نمی توان با قاطعیت سخن گفت مگر پسر حضرت

نوح برگشت؟

راهی: روان شناسی می گوید که فلان رنگ برای فلان شخص و سن شادابی می آورد؛ لباسی که نه تنگ و نه خیلی گشاد باشد، خود من در تلویزیون، خانم میان سالی را دیدم که طراح لباس بود و گله داشت و می گفت در ایران طرح های مرا تحویل نمی گیرند، مدل هایی را هم نشان داد که خیلی زیبا بود. آن طراح می گفت جالب این است که وقتی من این طرح ها را از خارج برای ایران می فرستم این جا استفاده می کنند.

حاجی پور: دولت باید زمینه را آماده کند. طراح و روان شناس و خیاط با هم جمع شوند و با اعتبار دولتی کار کنند و طرح ارائه دهند، باور کنید استقبال می شود. من معتقدم این طرح باید مثل یک نردبانی باشد که پله اولش هدایت است و کار مبلغ، پله دوم جمع آوری بازار است و به همین ترتیب ادامه یابد.

وفایی: یعنی نیروی انتظامی دست نگه دارد تا مبلغان شما پرکار و پرانرژی شوند و بعد بیایند؟

حاجی پور: تأمین امنیت اجتماعی توسط نیروی انتظامی است، و طرح ضربتی، هیچ وقت به صورت پایدار جواب نمی دهد، یک امنیت نسبی ایجاد می شود باید مبلغان وارد کار شوند و از دبیرستان ها و دانشگاه ها شروع کنند ولی نیروی انتظامی هم باشد. اگر دختر ما خودش بفهمد که با حجاب امنیت اش تأمین است لازم نیست که نیروی انتظامی بایستد و جامعه را کنترل کند.

راهی: ظاهر خود مبلغان هم باید حالت تبلیغ باشد مثلاً وقتی به مدارس راهنمایی می رود خود نوجوان او را قبول داشته باشد.

رضایی: در همان روزهای اول، من صحبت های فرمانده کل نیروی انتظامی را شنیدم. ایشان می گفت این خانمی که



این طوری می آید بیرون اگر به این طرح اعتراض دارد پس چرا پیش ما شکایت می کند که فلان آقا به ما توهین کرد؟ وقتی تو شلوار کوتاه و لباس نامناسب می پوشی من چگونه به آن آقا اعتراض کنم؟ من جلوی او را می گیرم اما تو هم باید رعایت کنی.

بیاتی: لااقل اگر واقعا می خواهند با این جور افراد مبارزه کنند تا آخرش بایستند. مثل زمان آقای خاتمی نباشد که آزادی دادند حالا دوباره سخت گیری می کنند. خب این روی مردم اثر منفی می گذارد.

وفایی: به نظر دوستان در این میان ما چه نقشی داریم یا باید داشته باشیم؟

حاجی پور: امر به معروف و نهی از منکر؛ اگر خانمی با یک حالت زننده وارد اجتماع شد، یکبار من و یکبار خانم راهی، خانم رضایی می گوید وقتی در خیابان با ده یا پانزده نفر مواجه می شود که به او اعتراض می کنند که این چه وضعیتی است که تو بیرون آمده ای کلافه می شود.

امر به معروف و نهی از منکر در اسلام یک وظیفه کاملاً عمومی است. اسلام نمی گوید حاکمان، یک عده ای را بگمارند که مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنند. اسلام می گوید: شما ای دانشجو، طلبه، بازاری یا کاسب، هر چه هستی اگر دیدی کسی خلاف شرع می کند باید بگویی.